Religion and Health

REVIEW ARTICLE

2017, Vol: 5, No: 1, Pages: 61-69.

Xenotransplantation from the Perspective of Medical Jurisprudence and Law Viewpoints

Sedigheh Hatami*, Raziyeh Amini

PhD Candidate, Department of Jurisp-rudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

***Corresponding Author:**
Sedigheh Hatami
Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Email:
hatamisedighe@yahoo.com

Received: 16 Jan 2016
Revised: 20 June 2017
Accepted: 22 June 2017

Abstract

Ever-increasing progress in the development of medical sciences has provided new insights into the treatment methods. Xenotransplantation is one of these novel methods, which could be a solution for numerous problems caused by the shortage of organs donation. This descriptive-analytical study sought to assess this issue from the perspective of jurisprudence and law viewpoints. After assessing foregoing issues, we concluded that such treatment is permitted. According to the literature, the problems of this type of transplantation have been resolved by discovering new medicines and performing numerous studies. From the perspective of jurisprudence, considering the principles of lā ḍarar (no harm) and ḍarūrat (necessities render the prohibited acts permissible), this modality of treatment is permitted. It is worth mentioning that xenotransplantation is allowed regarding the legal and ethical obligations.

Keywords: Animal, Human, Juridical concepts, Medical science, Organ transplantation

▶ **Citation:** Hatami S, Amini R. Xenotransplantation from the Perspective of Medical Jurisprudence and Law Viewpoints. Religion and Health, Spring & Summer 2017; 5(1): 61-69 (Persian).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-09]

دین و سلامت

مقاله مروری

دوره ۵، شماره ۱، سال ۱۳۹۶ صفحه: ۶۹-۶۱.

پیوند عضو حیوان به انسان از منظر فقه و حقوق پزشکی

صدیقه حاتمی*، راضیه امینی

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

* **مؤلف مسئول:** صدیقه حاتمی
گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

Email:
hatamisedighe@yahoo.com

دریافت: ۲۷ دی ۱۳۹۵
اصلاحات: ۳۰ خرداد ۱۳۹۶
پذیرش: ۱ تیر ۱۳۹۶

چکیده

پیشرفت روزافزون علم پزشکی، افق‌های جدیدی را فراروی بشر قرار داده و اعمال شیوه‌های نوین را در درمان افراد امکان‌پذیر کرده است. یکی از مسائل نوظهور در عرصه پزشکی، امکان پیوند عضو حیوان به انسان است که با توجه به کمبود اعضای پیوندی، می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات باشد. پژوهش حاضر با اتخاذ شیوه توصیفی- تحلیلی و به روش مسأله‌محور، به بررسی این موضوع از منظر علم پزشکی و فقه پزشکی پرداخته و با تحلیل و نقد مشکلات پیش رو، به این نتیجه رسیده است که چنین راهکاری در درمان افراد بلااشکال است. نتایج مطالعات نشان می‌دهد علم پزشکی توانسته است با کشف برخی داروها و پژوهش‌های متعدد، تا حد زیادی مشکلات این نوع پیوند را رفع کند. از منظر فقهی رجوع به مفاد قاعده « لاضرر و لاحرج» و توجه به مدلول قاعده ضرورت و برخی دیگر از ادله و مستندات فقهی، صدور جواز چنین عملی امکان‌پذیر است. گفتنی است چنین پیوندی از منظر حقوقی و اخلاقی نیز بلااشکال می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: انسان، پیوند عضو، حیوان، علم پزشکی، مبانی فقهی

◀ **استناد:** حاتمی، صدیقه؛ امینی، راضیه. پیوند عضو حیوان به انسان از منظر فقه و حقوق پزشکی. دین و سلامت، بهار و تابستان ۱۳۹۶؛۵(۱): ۶۹-۶۱ (فارسی).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-09]

مقدمه

همگام با پیشرفت دانش پزشکی، مسائل جدیدی در مقابل دیدگان اندیشوران فقه و حقوق قرار گرفته است. یکی از مسائل نوین در حوزه علم پزشکی، برداشت و پیوند عضو می‌باشد که امروزه از شیوه‌های رایج در درمان بسیاری از بیماری‌ها به‌شمار می‌رود. سؤال‌های بی‌شماری در زمینه پیوند عضو مطرح است که فقیهان نمی‌توانند درباره آن‌ها سکوت اختیار کنند؛ چراکه فقه باید پاسخگوی شماری از احکام مرتبط با پیوند اعضا باشد؛ بنابراین ضروری است احکام این مسائل از متون فقهی استخراج گردد و به جامعه ارائه شود.

پژوهش‌های انجام‌شده احتمال داده‌اند که شاید عمده‌ترین مشکل اجرایی در پیوند عضو، کمبود اعضای کافی برای پیوند باشد. این مسأله هنگامی بیشتر ظاهرمی‌شود و به معضل تبدیل می‌گردد که بسیاری از بیماران در اثر پیشرفت بیماری، نتوانند مدت طولانی در لیست انتظار عضو پیوندی قرارگیرند و ادامه این وضعیت به از دست‌دادن جان‌شان منجر شود؛ بنابراین ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا می‌توان به‌دنبال راه‌های جایگزین بود و برای مثال عضو حیوان را به بدن انسان پیوند زد؟ پژوهش حاضر به‌دنبال یافته‌های نوین علم پزشکی در این‌باره است؟ و اینکه درصورت پاسخ مثبت علم پزشکی به این مسأله، آیا ادله شرعی نیز به این دیدگاه اقبال نشان داده‌اند و انجام این عمل از منظر فقهی نیز روا خواهد بود؟

۱. مفهوم‌شناسی پیوند عضو

پیوند یا به‌عبارتی «زرع» در لغت به معنای روییدن گیاه، رویانیدن و افکندن دانه است (۴-۱). «عضو» نیز به معنای هر گوشت برآمده بر استخوان و به تعبیری هر استخوانی از بدن می‌باشد که گوشت بر آن فراهم شده است (۲،۳،۵). به‌نظر می‌رسد منظور از «عضو»، همان «جزء» است؛ ولی نه هر جزئی؛ بلکه مراد جزئی می‌باشد که وظیفه مستقلی دارد.

«پیوند عضو» در اصطلاح عبارت است از: برداشتن عضو معیوب یا ناکارآمد از بدن و جایگزین‌کردن آن با عضوی دیگر از بدن. این عضو جایگزین‌شده می‌تواند از اعضای مصنوعی و همانندسازی شده نیز باشد (۶). برخی در تعریف پیوند عضو گفته‌اند: «انتقال سلول بافت یا عضو زنده به فرد، به نحوی که عملکرد آن محفوظ بماند» (۱).

شایان ذکر است پیوند عضو، مختص اعضای جامد بدن است و شامل تزریق خون، پلاسما و غیره نمی‌شود؛ همچنین در عرف پزشکی، اعمالی ازقبیل جراحی‌های ترمیمی و پلاستیک، پیوند عضو محسوب نمی‌شوند (۷).

۲. منابع تأمین پیوند اعضا

براساس یک استقرا، برداشت عضو و پیوند آن به انسان، از سه فرض خارج نیست: ۱. پیوند عضو مصنوعی، ۲. پیوند عضو از انسانی به انسانی دیگر و ۳. پیوند عضو از حیوان به انسان.

۱.۲. پیوند عضو مصنوعی

یکی از شیوه‌های جبران نبود عضو طبیعی، استفاده از اعضای مصنوعی است. این اعضا دو نوع هستند: الف. متحرک و قابل جداسازی از بدن و ب. ثابت و جاسازی شده در بدن. به‌طور مثال، امروزه از پروتزهای قلب مصنوعی یا اجزای مکانیکی برای جایگزینی دریچه‌های درون قلب و لنزهای مصنوعی برای جاسازی در چشم بیماران استفاده می‌شود (۸). گفتنی است استفاده از این ابزار مصنوعی، از منظر تمامی مذاهب اسلامی جایز است (۹،۱۰)؛ به‌جز مصنوعاتی از جنس طلا برای مردان؛ با توجه به این موضوع که در شرع، استفاده از طلا برایشان حرام است (۱۱).

۲.۲. پیوند عضو از انسان به انسان

این پیوند خود به چند نوع تقسیم می‌شود؛ به این دلیل که عضو پیوندی یا از بدن انسان زنده یا از انسان مرده برداشته می‌شود.

الف) برداشت عضو از بدن انسان زنده: در این نوع،

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-09]

عضو پیوندی یا به صاحب عضو یا به انسانی دیگر پیوند زده می‌شود. در صورت اول، این پیوند یا بنا به ضرورت و معالجه اعضای آسیب‌دیده دیگر می‌باشد یا اینکه عضو پیوندی، عضوی است که مستوجب حد یا قصاص بوده است و فرد با انجام پیوند، می‌خواهد عضو مقطوع را به جای خود پیوند بزند. همچنین گاهی عضوی از انسان زنده برداشته می‌شود تا به انسان زنده دیگری پیوند زده شود. در این صورت نیز چند حالت وجود دارد: برداشت عضو از کافر و پیوند آن به مسلمان، برداشت عضو از مسلمان و پیوند آن به کافر، پیوند عضو از مسلمانی به مسلمان دیگر و غیره.

ب) برداشت عضو از بدن انسان مرده: در این صورت نیز حالاتی همچون مسئله پیشین مطرح است؛ ازقبیل: پیوند عضو میت مسلمان به مسلمان دیگر، پیوند عضو میت کافر به مسلمان و غیره. گفتنی است بررسی هریک از فرض‌های گفته‌شده، مجال و فرصت دیگری می‌طلبد و از هدف این نوشتار خارج است (۸).

۳.۲. پیوند عضو از حیوان به انسان

پیوند عضو از حیوان به انسان (Xenotransplantation) از مسائل نوظهور علم پزشکی است. در این نوع پیوند، عضو حیوان می‌تواند به‌طور کامل جایگزین عضو انسانی شود یا تا زمانی که عضو انسانی برای پیوند فراهم گردد؛ به‌طور موقت به‌کار گرفته شود. در قسمت بعد به بررسی تفصیلی این قسم از پیوند خواهیم پرداخت که موضوع پژوهش حاضر می‌باشد.

۳. پیوند عضو حیوان به انسان از منظر علم پزشکی

با پیشرفت علم ایمونولوژی، این فرضیه قوت گرفت که شاید بتوان از حیوانات به‌عنوان منبعی همیشگی برای تأمین عضو استفاده کرد. اصطلاح xenotransplantation ریشه‌ای یونانی دارد و به انتقال عضو، بافت و سلول از گونه‌ای به گونه دیگر اطلاق می‌شود (۱۲).

استفاده از جمجمه سگ برای ترمیم استخوان آسیب‌دیده جمجمه یک مریض، استفاده از کلیه خرگوش برای یک کودک مبتلا به نارسایی کلیوی، پیوند کلیه شامپانزه به یک بیمار، دریافت سلول‌های پانکرانس خوک توسط یک بیمار و غیره نمونه‌هایی از پیوند عضو حیوان به انسان به‌شمار می‌روند (۱۳).

با توجه به تکثیر سریع و فراوانی خوک‌ها و شباهت آنتی‌ژن‌های سطحی سلول‌های خوک و انسان، به‌نظر می‌رسد این حیوان، بهترین گزینه برای پیوند عضو باشد. پژوهش‌های دانشمندان نشان می‌دهند که قلب خوک بهترین جایگزین برای قلب انسان است؛ زیرا دریچه قلب خوک شباهت زیادی به دریچه قلب انسان دارد. به‌تازگی نیز توجه پزشکان به استفاده از کبد این حیوان برای پیوند به انسان جلب شده است (۱۴،۱۵).

دلایلی که می‌تواند توجیه‌کننده انتقال عضو حیوان به انسان باشد:

۱. محدودبودن اعضای انسانی قابل پیوند.

۲. انتظار طولانی‌مدت بیماران برای دریافت عضو انسانی و آسیب‌های جبران‌ناپذیر آن.

۳. محدودنبودن اعضای حیوانات (به‌دلیل امکان ازدیاد و پرورش)

۴. امکان دستکاری ژنتیکی حیوانات برای ساخت سلول‌های مورد نیاز

۵. جلوگیری از قاچاق عضو و سوء استفاده مالی (با توجه به نیاز شدید برخی از بیماران).

۱.۳. پیوند عضو حیوان به انسان و چالش‌های پزشکی

کمترین ایراد به عمل پیوند عضو حیوان به انسان وارد است به این دلیل که در این نوع، منبع تأمین عضو، انسان زنده نیست که مانعی به نام اضرار به جسم مطرح باشد و همچنین منبع آن انسان مرده نمی‌باشد که بهره‌برداری از اعضای وی موجب هتک حرمت میت شود؛ اما ممکن است بر انجام چنین پیوندی، اشکالاتی به شرح ذیل گرفته شود:

۱. سازگارنبودن نسوجی عضو پیوندی: یکی از چالش‌های موجود، پس‌زدن سریع عضو یا همان پدیده پرانیدن به‌دلیل تفاوت در ژن‌های حیوان با انسان می‌باشد

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-09]

که در فرض مسئله سرعت و شدت بیشتری داشته است و باعث نپذیرفتن عضو حیوان می‌شود.

۲. انتقال بیماری از حیوان به انسان: احتمال انتقال میکروارگانیسم‌ها مانند بسیاری از ویروس‌های حیوانی پس از پیوند عضو وجود دارد. بسیاری از این عوامل باعث ایجاد بیماری در حیوانات نمی‌شوند؛ اما برای انسان‌ها بیماری‌زا هستند. همچنین احتمال دارد که ویروس‌هایی ناشناخته در بدن حیوانات وجود داشته باشند؛ ولی انسان از ماهیت و آثار آن‌ها آگاهی و دانشی نداشته باشد (۱۶).

۳. تسری ویروس‌های منتقل‌شده: پیوند عضو حیوان به انسان با ترس فزاینده‌ای همراه است؛ ترس از آنکه ویروس موجود در بدن حیوان به بیمار انتقال یابد، سپس از او به دیگران سرایت کند و باعث بروز امراض فراگیر شود.

مطالعات و آزمایش‌های پزشکی برای مقابله با این مشکلات، به برطرف‌کردن این موانع متمرکز شده است:

اقدامات انجام‌شده عبارت است از:

۱. با ساخت دارویی به نام «سیلکوسپورین»، مشکل پرانیدن عضو تا حدی رفع شده؛ هرچند هزینه استفاده از آن بسیار بالاست.

۲. یکی از تکنیک‌هایی که در زمینه پیوند عضو حیوان به انسان، امیدوارکننده بوده و تا حد زیادی، خطرات و نگرانی‌ها درباره آن را کاهش داده است، توسعه مهندسی ژنتیک خوک‌ها می‌باشد. در این روش، سعی شده است ژن‌های انسانی در ژنوم خوک وارد شود و به‌دنبال آن، مسئله پس‌زدن بافت پیوندی برطرف گردد. فرآیند کار به این شکل است که سلول‌های بنیادی انسان به جنین خوک تزریق می‌گردد و موجودی هیبریدی به نام شیمر ایجاد می‌شود که تلفیقی از انسان و حیوان است. با افزودن سلول‌های بنیادی، این سلول‌ها شروع به ساخت عضوی خاص می‌کنند که درنهایت، این عضو جدید می‌تواند برای عمل پیوند عضو در انسان استفاده شود. دانشمندان می‌خواهند با این روش به هدف خود که ایجاد قلب، کبد یا سایر اندام‌ها برای پیوند به انسان است، دست یابند (۱۷).

با به‌کارگیری چنین روش‌هایی می‌توان امیدوار بود که دیگر مشکلات احتمالی موجود در پیوند عضو حیوان به انسان نیز به مدد پیشرفت روزافزون علم پزشکی برطرف گردد و به مرور زمان، تمامی موانع برداشته شود.

۴. پیوند عضو حیوان به انسان از منظر فقهی

۱.۴. مقتضای قواعد اولیه

قواعد اولیه در دو سطح ادله اجتهادی و نیز مفاد اصول عملیه امکان بررسی دارد. به‌نظر می‌رسد مفاد دلایل لفظی و ادله اجتهادی، بر لزوم حفظ جان آدمی و درنتیجه امکان استفاده از شیوه‌های نوین در پیوند اعضا ازجمله پیوند عضو حیوان به انسان اقتضا می‌کند؛ چراکه اطلاقات و عمومات ادله، بر اهمیت و ارزش حفظ جان آدمی دلالت دارند. دلیل این مطلب علاوه بر حکم عقل و عقلا، ادله عام و خاصی می‌باشد که در این‌باره نقل شده است؛ ازجمله شاید بتوان به آیه ۳۲ سوره مائده اشاره نمود: "هرکس نفسی را زنده کند، گویا همه بشریت را زنده کرده است".

در باب مقتضای اصل عملی باید گفت، با فرض شک در مشروعیت‌نداشتن چنین پیوندی، اصل اباحه و برائت اقتضای جواز چنین عملی را خواهد داشت. همچنین در این زمینه می‌توان به مدلول اصل ضرورت نیز استناد کرد؛ زیرا تردیدی نیست که ضرورت‌داشتن می‌تواند سبب جایزشدن کاری شودکه بدون آن و در شرایط عادی جایز نیست. پیوند عضو حیوان به انسان نیز ضرورتی است که با عنایت به کمبود اعضای پیوندی، انجام آن لازم به‌نظر می‌رسد.

درنتیجه، پیوند عضو حیوان به انسان حرام نیست؛ اگر چه نیازمند کشتن و ذبح حیوان باشد؛ زیرا ذبح و کشتن حیوانات در صورت نیاز جایز می‌باشد و خداوند آنچه را در زمین است، برای انسان و در خدمت وی آفریده است. هنگامی که ذبح یا کشتن حیوان برای خوردن یا برای استفاده از پوست آن جایز است، استفاده از عضو آن نیز برای درمان جایز خواهد بود. اگر تا دیروز اعضای بدن برخی حیوانات استفاده‌ای جز خوردن نداشته

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-09]

و به همین سبب حکم به حرمت گوشت آن‌ها داده شده است، امروزه موضوع تبدل واقعی یافته و به تبع حکمی که بر این موضوع بار می‌شود نیز، متفاوت شده است. بی‌جهت نیست که اغلب فقیهان معاصر به جواز استفاده از حیوان در امر پیوند اعضا حکم داده‌اند (۲۴-۱۸). برخی نیز جواز استفاده از حیوان نجس‌العین را منوط به اضطرار مریض کرده‌اند (۲۵).

۲.۴. چالش فقهی پیوند عضو حیوان به انسان

پیوند عضو حیوان به انسان ممکن است با ایراد فقهی نجاست عضو پیوندی مواجه شود. در توضیح مطلب باید گفت صحت برخی از اعمال دینی منوط به وجود شرایطی است؛ ازجمله اینکه در نماز شرط است که لباس نمازگزار از اجزای مردار و حیوان حرام گوشت نباشد؛ چراکه وجود این نجاست در بدن و لباس انسان، موجب بطلان نماز خواهد شد (۲۶،۲۷). ناگفته پیداست این اشکال درباره حیوانات حلال‌گوشتی که ذبح شرعی شده باشند، ایجاد نخواهد شد.

همچنین باید توجه داشت که از میان تمامی حیوانات تنها سگ و خوک نجس‌العین هستند. طبق نظر مشهور فقیهان، تمامی اعضای این دو حیوان نجس می‌باشند؛ حتی اجزایی که فاقد حیات هستند؛ ازقبیل: ناخن، مو و دندان (۲۸)؛ بنابراین اگر عضو پیوندی از اعضای حیوان نجس‌العین باشد، اشکالی که شاید مشاهده شود این است که پیوند آن عضو، موجب نجس‌شدن بدن و درنتیجه بطلان برخی از اعمال شرعی مانند نماز می‌شود. همچنین عضو جداشده از حیوانات حلال‌گوشتی که ذبح شرعی نشده‌اند، میته محسوب می‌شود و نجس است؛ همان‌گونه که در روایتی از امام صادق (ع) به این امر اشاره شده است (۲۹).

در پاسخ به این اشکال می‌توان چهار دلیل را ذکر کرد:

۱. دمیده‌شدن روح انسانی در عضو پیوندی: شاید بتوان گفت عضو پیوندشده، پس از پیوند، حیات پیدا می‌کند، روح انسانی در آن دمیده می‌شود، جزئی از بدن انسان می‌گردد و طهارت می‌یابد (۳۰،۳۱). با این اوصاف، دیگر استصحاب نجاست جاری نمی‌شود؛ چراکه موضوع تغییر می‌کند؛ یعنی عضو پیوندی، دیگر نجس‌العین و میته نیست؛ بلکه عضو انسان زنده محسوب می‌شود (۱۸،۳۲). درنتیجه، ملاک نجاست، بریدن و جداکردن عضو نیست؛ بلکه ملاک، مرده‌ای است که به حال تجزیه و پوسیده‌شدن درآید؛ اما در پیوند، عضو جداشده جزئی از بدن انسان زنده می‌شود؛ از این رو، قطع عضوی از بدن و پیوند آن در همان محل جایز است و اصل طهارت بر آن جاری می‌گردد.

۲. قاعده لاضرر و لاحرج: در فرض تمامیت‌نداشتن استدلال اول، می‌توان استدلال دیگری مطرح کرد و آن اینکه چون زایل‌ساختن عضو پیوندی برای هر مرتبه نمازخواندن، موجب حصول ضرر و مشقت برای گیرنده عضو خواهد بود، وجوب ازاله عضو نجس ساقط می‌شود؛ زیرا شخص نمی‌تواند عضو پیوندی را به‌طور مکرر در حال نماز جدا کند و سپس مجدداً پیوند بزند؛ بنابراین از آنجا که، چنین امری مشقت و رنج گزاف ایجاد خواهد کرد، از درجه اعتبار ساقط است.

۳. قاعده اضطرار: بنا به مفاد قاعده اضطرار، حمل شی نجس در نماز، فاقد اشکال خواهد بود؛ زیرا بعد از پیوند، جداکردن عضو در هنگام نماز ممکن نیست. درواقع، شخص مکلف، مضطر به خواندن نماز با عضو نجس می‌شود و چنین عملی برای وی مباح می‌گردد.

۴. عدم مانعیت محمول نجس: طبق یک مبنای فقهی، بطلان نماز به فرض وجود نجاست، نسبت به اعضای ظاهری بدن است؛ اما نجاست آنچه در درون بدن جای دارد، نمی‌تواند مانع صحت نماز باشد (۱۸،۳۳)، مانند کسی که نماز می‌خواند و شکم او انباشته از گوشت حیوان حرام گوشت است. شایان ذکر است که بسیاری از مصادیق پیوند نیز مربوط به اعضای درونی بدن مانند: کلیه، قلب، کبد و غیره می‌باشد؛ اگرچه این دلیل در خصوص پیوند اعضای ظاهری کارساز نیست و درباره آن‌ها باید به سه دلیل اول رجوع کرد.

اگرچه این سخن در جای خود درست و منطبق با

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-09]

ادله است که نماز در اجزای حیوان نجس‌العین و حرام‌گوشت، باطل می‌باشد (۳۴)؛ اما باید پذیرفت که در فرض بحث تبدل موضوع ایجاد شده و با الحاق عضو پیوندی به بدن انسان، دیگر نمی‌توان آن را دارای همان صفت پیشین دانست. همچنین قواعدی نظیر لاحرج و لاضرر و قاعده اضطرار نیز در مسئله پیوند عضو، جواز این کار را می‌دهند و انجام آن را مباح می‌سازند. افزون بر آن، اگر محل پیوند داخل بدن باشد، عضو پیوندی ازقبیل محمول نجس می‌باشد و استعمال آن بلااشکال خواهد بود (۳۵).

۵. بررسی حقوقی

بررسی حقوقی مسئله ذکرشده، همچنان که پیش از این گفته شد، به‌دلیل انسان‌نبودن منبع پیوند، چندان با ابهام همراه نیست. مطابق تتبع و جستجو در مقررات فعلی کشور اعم از قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین موضوعه، به‌نظر می‌رسد درباره قانونی یا غیرقانونی‌بودن پیوندعضو حیوان به انسان، نص صریحی وجود ندارد؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد حکم مسئله را باید با توجه به مفاد اصل ۱۶۷ قانون اساسی پیگیری کرد که قاضی را موظف می‌دارد اگر حکم مسئله‌ای را در قوانین موضوعه نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوای معتبر، حکم قضیه را صادر کند (۳۶). می‌توان گفت از آنجا که قانون در موارد مسکوت، رجوع به منابع فقهی را تجویز نموده است، پیوند عضو از منظر حقوقی نیز مجاز و بلااشکال می‌باشد؛ چراکه در بین سطور فوق، جواز شرعی چنین امری اثبات شده است و همان‌گونه که گفته شد فقیهان مشهور معاصر نیز به جواز استفاده از حیوان در امر پیوند اعضا فتوا داده‌اند.

۶. بررسی اخلاقی

از لحاظ اخلاقی نه‌تنها در این زمینه ممنوعیتی احساس نمی‌شود؛ بلکه به لحاظ ارزش‌های فوق‌العاده این عمل در راستای حفظ حیات آدمی به‌عنوان اشرف مخلوقات و همچنین به اقتضای اعطای کرامت ذاتی به انسان در آیه ۷۰ سوره اسراء: "ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم وآن‌ها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری ازموجوداتی که خلق کرده‌ایم برتری بخشیدیم". انجام چنین پیوندی مطلوب و شاید بتوان گفت لازم و ضروری است؛ زیرا طبق آموزه‌های دینی، نجات یک انسان معادل نجات همه انسان‌هاست. خداوند در آیه ۳۲ سوره مائده می‌فرماید: "هرکس به یک نفر زندگی بخشد، گویا به تمام بشریت زندگی بخشیده است".

اگر گفته شود که پیوند عضو از حیوان یا حیوان تراریخته، امری غیرطبیعی و دخالتی نابه‌جا در نظم و ساختار طبیعت است؛ در پاسخ می‌توان گفت که دلیل قابل قبولی بر اینکه هرچیز طبیعی لزوماً خوب و نیکو می‌باشد و برعکس تمام امور غیرطبیعی، بد و ناصواب هستند، ارائه نشده است. برای مثال هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که وقوع سیل چون پدیده‌ای طبیعی است، خوب و نیکو می‌باشد و مهار آن با انجام اموری ازقبیل احداث سد، چون ساخته دست انسان است، امری ناپسند محسوب می‌شود (۳۷). همچنین نتیجه پذیرش این استدلال، ساقط‌شدن کامل انسان از حیات است؛ زیرا کلیه اعمالی که انسان در طول تاریخ حیاتش برای ادامه زندگی انجام داده است همچون اختراعات گوناگون، بستن سد روی رودخانه‌ها، مبارزه با بیماری‌ها، استفاده از روش‌های جلوگیری از باروری و به بیان کلی تمامی مظاهر زندگی متمدنانه انسان، همگی اموری غیرطبیعی هستند که خودبه‌خود وجود نداشته‌اند و با تلاش انسان ایجاد شده‌اند.

نتیجه‌گیری

مطابق پژوهش و بررسی نوشتار حاضر، نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱. از منظر علم پزشکی، پیوند عضو حیوان به انسان، با مشکلات و دشواری‌هایی روبروست؛ اما مطالعات و آزمایش‌های اخیر دانشمندان توانسته است تا حدودی

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-09]

این مشکلات را رفع کند. می‌توان امیدوار بود که دیگر مشکلات احتمالی موجود نیز به مدد پیشرفت روزافزون علم پزشکی برطرف گردد و به مرور تمامی موانع موجود برداشته شود.

۲. پیوند عضو حیوان به انسان از نظر فقهی نیز فاقد اشکال به‌نظر می‌رسد. دمیده‌شدن روح انسانی در عضو پیوندی، رجوع به مفاد قاعده لاضرر و لاحرج، مدلول قاعده اضطرار و مرتبط‌بودن بسیاری از مصادیق پیوند با اعضای درونی بدن انسان، اقتضای صحت و مشروعیت چنین امری را دارد. از بُعد حقوقی نیز، اگرچه نص صریحی در جواز داشتن یا نداشتن پیوند عضو حیوان به انسان به وجود ندارد؛ با وجود این، راهکار قانونی در این زمینه، مراجعه به منابع معتبر اسلامی و فتاوای معتبر است و طبق دستاوردهای نوشتار حاضر، رجوع به هر دو منبع، اقتضای جواز چنین امری را دارد.

۳. پیوند عضو حیوان به انسان از منظر اخلاقی نیز اشکالی ندارد و مطلوب و رایج است؛ چراکه این عمل، برای صیانت از کرامت ذاتی انسان و حفظ جان آدمی انجام می‌شود.

پیشنهادات

پیشنهاد می‌شود برای بررسی عمیق‌تر مسئله، پژوهش‌های گسترده‌تری انجام شود و همایشی کشوری یا بین‌المللی نیز با همین عنوان، بررسی همه جانبه این پدیده نوظهور را به عهده گیرد.

حمایت مالی

این پژوهش از سوی هیچ مؤسسه‌ای حمایت مالی نشده است.

ملاحظات اخلاقی

کلیه موازین اخلاقی در تهیه این پژوهش رعایت شده است.

تضاد منافع

در این مطالعه تضاد منافعی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از تمام کسانی که ما را در تدوین این پژوهش یاری نموده اند، سپاسگزاری می‌شود.

References

1. Larijani B. Peyvand-e A'za'a. Tehran: Tomorrow Publishers; 2003. P. 76 (Persian).
2. Johari Esmaeil BH. Al-Sahah- Ta'aj-ol Loghat va Sahah-ol Arabiyah. Lebanon: Publisher Dar-o-l Elm, Lel-Malabi; 1989. P. 243.
3. Farahidi Khalil BA. Ketab-ol Ein. Qom: Publisher Hejrat; 1989. P. 353.
4. Firoozabadi MY. Al-yameen al-ghamoos. Beirut: Publisher House of Generation; 1998. P. 34.
5. Fiomi Magharri AM. Al-Mesbah-ol Monir fee Gharib-ol Sharh-el Kabir Lel-Rafeei. Qom: Publisher The House of Satisfaction Publishing; 1999. P.76.
6. Mirhashemi S. Pajooheshgah-e Oloom-e Ensani va Mota'lea't-e Farhangi, Fegh-he Pezeshki. Tehran: Institute of Humanities and Culture Studies; 2006. P. 92 (Persian).
7. Tabrizian A. Daftar-e Tablighat-e Eslami (Sho'ba-ye Khorasan). Masayel-e Mostah-addesa-ye Pezeshki. Qom: Garden of Books; 2005. P. 268 (Persian).
8. Habibi H. Marg-e Maghzi va Peyvand-e A'za'a az Didgah-e Feghh va Hoghoogh. Qom: Qom Seminary Islamic Propagation Office Publishers; 2001. P. 80-1 (Persian).
9. Makarem Shirazi N. Ahkame Pezeshki. Qom: Imam Ali-ebne-Abitaleb School Publishers; 2008. P. 150-1 (Persian).
10. BeeAza'ar Shirazi A. Gharrahi dar teb va Feghh-e Eslami. Mashhad: Iran Science and Research Development Institute; 1992. P. 496 (Persian).
11. Makarem Shirazi N. Resala-he Touzih-ol Masayel, geld-e chaharom. Qom: Target Press; 1993. P. 156 (Persian).
12. Ekser B, Gridelli B, Tector AJ, Cooper DK. Pig liver xenotransplantation as a bridge to allotransplantation: which patients might benefit? Transplantation. 2009; 3(5):115-40.
13. Abbasi M. Peyvand-e A'za'a az Didgah-e Hoghoogh-e Tatbighi, Majmoo-e Maghalat-e Hoghoogh-e Pezeshki. Tehran: Hayan Cultural Publishing Institute; 1997. P. 56 (Persian).
14. Heidari A. Chekida-ye Garrahi-ye Ghalb. Tehran: Azar Mehr Publishers; 1999. P.178

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-09]

(Persian).
15. AlBooti MS. Entefa'-ol Ensan be A'za'a-e Jesm-e Ensan a'khar-a Hay-yan va Mayyet-an. Qom: Imam Khomeini Judiciary Juridical Research Center; 1998. P. 23.
16. Morris PJ. Xenotransplantation. British Medical Bulletin. 1999; 5(8):167-200.
17. Taniguchi S, Suzuki N, Masuda M, Hisanaga SI, Iwatsubo T, Goedert M, et al. Inhibition of heparin-induced tau filament formation by phenothiazines, polyphenols, and porphyrins. Journal of Biological Chemistry. 2005; 280(9):7614-23.
18. Makarem Shirazi N. Bohoos-e Feghh-iyah. Qom: Al-Imam Ali-ebne-Abitaleb School Publishers; 2002. P. 334.
19. Mousavi Ardabili AK. Estefta'aat. Qom: Nejat Publishers; 1998. P. 150.
20. Sa'afi Golpayegani L. Estefta'aat-e Pezeshki. Qom: House of Quran Publishers; 1994. P. 78.
21. Fa'azal Lankarani M. Resala-he Touzih-ol Masayel. Qom: Hosseini Press; 1996. P. 176.
22. Golpayegani MR. Resala-he Touzih-ol Masayel. Qom: Quran House of Thinking; 1989. P. 478 (Persian).
23. Mousavi Bojnourdiseyyed M. Negaresh-i Jadid bar Osool-e Feghh-e Tatbighi. Qom: Rahnemoon-e Shomara-he Yek; 2014. P. 455 (Persian).
24. Khooei A. Resala-he Touzih-ol Masayel. Tehran: Arjmand; 1991. P. 561.
25. Tabatabaee HM. Resala-he Touzih-ol Masayel. Tehran: Farahani Publishers; 2007. P. 178 (Persian).
26. Hindi F. Kashf-ol Lesaam Va-l Ebhaam an-el Ghavaaed-el Ahkaam. Qom: Islamic Publishers Office, Dependent to Qom Seminary Teachers Society; 1989. P. 477.
27. Aameli Zeynoddin BA. Masaael-ol Afhaam elaa Tanghih-e Sharaa'e-ol Eslaam. Qom: Islamic Knowledge Institute; 2009. P. 382.
28. Nouri Hamadani H. Resala-he Touzih-ol Masayel (chaap-e hafton). Qom: Promised Madi Institute; 2014. P. 543 (Persian).
29. Ameli H. Vasaayel-ol Shia' (jeld-e sevvom). Qom: A'l-o-l Beit Alihom. Qom: Salam Institute Publishers; 1998. P. 504.
30. Khomeini R. Tahrir-ol Vasilah. Qom: Da'ar-O-L Elm Press Institute Publishers; 1990. P. 652.
31. Khomeini R. Resala-he Touzih-ol Masayel. Tehran: Islamic Cultural Institute Publishers; 1986. P. 861.
32. Khooei A. Al-Tanghih fee Sharh-ol Orvat-el Vosghaa. Qom: Under Circumstances of Mr. Lotfi; 1997. P. 251.
33. Nazari Tavakkoli S. Peyvand-e A'zaa dar Feghh-e Eslami. Mashhad: Islamic Researches Foundation; 2002. P. 141 (Persian).
34. Najafi MH. Javaaher-ol Kalaam fee Sharh-e Shara'e-ol Eslaam. Beirut: House of Arabian Heritage Inspirit; 1985. P. 366.
35. Horr-e A'meli MH. Tafsil Vasaayel-ol Shia' elaa Tahsil-a Masa'el-ol Sharia. Qom: Under Circumstances of Mr. Lotfi; 1997. P. 354.
36. Allamah Helli H, Motahhar Asadi Y. Montahi-al Matlab fee Tahghigh-el Mazhab. Mashhad: Islamic Discussions Convention; 1991. P. 184.
37. Straughan R. Ethics, morality and animal biotechnology. Swindon, UK: Biotechnology and Biological Science Research Council; 1999.

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-09]